

تبیین ماهیت اجتماعی "تربیت معنوی" در اسلام؛ بر اساس ابعاد اجتماعی عبادت

در دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی

فاطمه وجدانی* | فاطمه علی‌پور**

چکیده

برای انسان مدرن، معنویت تا حد زیادی حالت فردگرایانه پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که غالباً یک نیاز عاطفی و روان‌شناختی محسوب می‌شود و آرامش، عشق و شادی برای فرد به ارمغان می‌آورد. اما به نظر می‌رسد که تربیت معنوی در اسلام ماهیتی اجتماعی داشته‌باشد. در اسلام، با عنایت به اصالت معنویت، تمامی آموزه‌ها، در پی تقویت نگاه معنوی و پرورش معنویت در انسانهاست و هدف این است که انسان‌ها را متوجه جهان حقیقی و معنوی بکند؛ حتی آموزه‌هایی که ظاهراً در پی تنظیم امورات مادی انسان‌هاست. اما به طور ویژه، عبادات به معنای خاص که مستقیماً ارتباط میان انسان و خداوند را شکل می‌دهند، از قوی‌ترین روش‌های تقویت معنویت محسوب می‌شوند و بخش زیادی از نیازهای معنوی را تأمین می‌کنند. لذا از طریق تبیین ماهیت اجتماعی عبادات فردی، می‌توان ماهیت اجتماعی تربیت معنوی را بهتر درک نمود. هدف از انجام تحقیق حاضر، این است که نشان دهد بر اساس دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی حتی عبادات به اصطلاح فردی، مشحون از جنبه‌های اجتماعی هستند و در خصوص‌ترین ارتباطات انسان با خدا نیز، آدمی با هویت جمعی نزد خداوند حاضر می‌شود. بر اساس تحلیل محتوای کیفی دو کتاب حکمت عبادات و دانش و روش بندگی، هشت مولفه اصلی با تم اجتماعی برای عبادات به دست آمد: بودن با جمع، محبت و خیرخواهی عمومی و پیوندهای اجتماعی، حمایت مالی از قشر نیازمند جامعه، ردیلت‌زدایی اخلاقی - اجتماعی، تعامل اخلاقی اجتماعی، حق - گرای و دفاع از حق و حقیقت، دفاع از کشور و بصیرت سیاسی و تلاش جهانی.

کلیدواژه‌ها

تربیت معنوی، عبادت، ابعاد اجتماعی عبادت، آیت‌الله جوادی‌آملی.

* دانشیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (F_vojdani@sbu.ac.ir)

** استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران:

(نویسنده مسئول) (alipoor@cfu.ac.ir) (تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱)

مقدمه و طرح بحث

امروزه در دنیای مدرن، با مادی تر شدن انسان ها و فاصله گرفتن از ادیان الهی - که مهم ترین هدف آنها متوجه ساختن انسان به ساحت معنویت خویش، آشنا نمودن او با حیات حقیقی، پاسخ به نیازهای معنوی او و چشاندن لذات حقیقی به اوست - انسان مدرن به شدت دچار بحران معنا در زندگی شده است. با کنار نهادن دین و بی پاسخ گذاشتن یک نیاز روحی مهم، در بسیاری از جوامع غیردینی، برای رهایی از بحران معنای زندگی، معنویت (غیر دینی)، مورد توجه قرار گرفته است.

معنویت از ریشه یونانی و عبری واژه "spirit" گرفته شده و در فرهنگ آکسفورد به معنای نیرو، انرژی، حیات بخشی و پروراندن به کار رفته است (آکسفورد، ۲۰۰۶، ص. ۲۹۶۰). معنویت، به عنوان پدیده‌ای تعریف شده که در آن، فرد به دنبال نزدیک شدن یا ارتباط یافتن با قدرت و هدف بالاتر است (جوزف و همکاران، ۲۰۱۷). بوزک و همکاران (۲۰۲۰) نیز معنویت را عبارت از فعالیتی دانسته‌اند که از طریق آن، افراد قادرند معنا و اهمیت دنیای اطرافشان را بشناسند؛ همچنین معنویت را می‌توان واقعیتی پویا قلمداد کرد که در جست‌وجو و کشف معنای زندگی است.

در این میان، نکته قابل توجه این که در بسیاری از تعبیری از این دست، بر جنبه‌های فردی معنویت تمرکز می‌شود. به ویژه، زمانی که معنویت یک نیاز عاطفی و روان‌شناختی محسوب می‌شود و تاثیراتی هم‌چون: آرامش، عشق و شادی در آن مورد تاکید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، برای انسان مدرن، معنویت تا حد زیادی حالت فردگرایانه دارد و تاثیرات روان‌شناختی آن مورد تاکید است. انسان معنوی در این گونه معنویت‌های غیر دینی به فکر ساختن و رشد دادن خود، منقطع از دیگران است. حتی در مکاتبی مانند بودا

نیز، سیر معنوی، بیشتر ناظر به سلوک فردی و معطوف به کاوش درونی است، یعنی مراتب سیر و سلوک در چنین آیین‌هایی، اغلب نفسانی و همراه با سکون و سکوت و انواع مدیتیشن‌ها است (قهرمانی، ۱۴۰۱). وقتی معنویت (غیر دینی) حالت فردی به خود گرفت، تبعاً، تربیت معنوی نیز با همان رویکرد فردگرایانه شکل می‌گیرد؛ و یکی از تبعات مهم آن، پرورش انسان به اصطلاح معنوی است که معنویت به بخش‌های فردی زندگی او اختصاص دارد. نتیجه، عدم نگاه نظام مند به نقش معنویت در زندگی است که منجر به جداانگاری معنویت از عوالم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و ... می‌شود. این جداانگاری به نوبه خود، باعث ناهماهنگی و عدم یکپارچگی وجودی فرد می‌شود که در نهایت، یا به انزوای فرد (و عدم رشد و کمال‌یابی واقعی و همه‌جانبه) و یا به آشفتگی نظام‌های ارزشی در ساحت‌های گوناگون زندگی او منتهی می‌شود و آن اثری که از معنویت و تربیت معنوی مد نظر است، محقق نخواهد شد. بنابراین، فردی یا جمعی بودن ماهیت تربیت معنوی مساله مهمی است و این تحقیق نیز پیرامون همین مساله شکل گرفته است.

مساله اینجاست که همگام با تاثیر و تاثرات افسارگسیخته فرهنگی در دهه حاضر، بسیاری از معنویت‌های نوظهور و به دنبال آن، شیوه‌های آسیب‌زای تربیت معنوی در حال ورود به جامعه ما نیز هستند، در حالی که چنین معنویت‌هایی مبتنی بر ارزش‌های غربی نظیر فردگرایی و کناره‌گیری از نظام اجتماعی و سیاسی و نیز، حاوی عناصر مقوم لیبرالیسم هستند (پوریوسفی و همکاران، ۱۳۹۳) و لذا نهادینه شدن چنین معنویت‌های غیرحقیقی و ناکارآمد در جوانان ما، خطر انحرافات فکری و رفتاری در نسل جوان ما را در پی دارد. برای مقابله با این انحراف، توجه جدی به خوانش‌های بومی و اسلامی از معنویت و به دنبال آن طراحی برنامه‌های تربیت معنوی با رویکرد اسلامی، امری حیاتی

است تا به این نیاز اساسی انسان به درستی پاسخ داده شود.

در تمام ادیان آسمانی از جمله دین اسلام، معنویت اصالت دارد. تمامی آموزه ها، اصول و فروع دین، در پی تقویت نگاه معنوی و پرورش معنویت در انسانهاست و هدف این است که انسان ها از نگاه سطحی و صرفاً مادی فراتر بروند و متوجه عالم معنا (جهان حقیقی و معنوی) و لایه های عمیق تر زندگی شوند؛ حتی آموزه هایی که ظاهراً در پی تنظیم امورات مادی انسان هاست، اهداف معنوی را دنبال می کنند. اما در این بین، به طور ویژه، عبادات که مستقیماً مربوط به ارتباط میان انسان و خداوند هستند، برای بحث تربیت معنوی معنادار هستند.

عبادت، یکی از "کلیدواژه" های مرتبط با تربیت معنوی در اسلام محسوب می شود. در مکتب اسلام، عبادات بخش زیادی از نیازهای معنوی را تامین می کنند؛ به طوری که از دیدگاه متخصصان امر، عبادت، یکی از روش های تربیت معنوی محسوب می شود (آذربایجانی، ۱۳۹۶). به همین علت، برای بررسی فردی یا جمعی بودن تربیت معنوی، عبادت - به عنوان یکی از شاهراه های تربیت معنوی - در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است. عبادات به خصوص عبادات به اصطلاح فردی، در نگاه سطحی، فردی ترین ساحت تربیتی (به نسبت تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی و تربیت اخلاقی) تلقی می شوند و فرضیه این تحقیق آن است که حتی عبادات به اصطلاح فردی، به طرز روشنی ماهیت اجتماعی دارند و انسان بدون توجه به اجتماع، نمی تواند در مسیر معنویت و پرورش معنوی قدم از قدم بردارد. در صورت اثبات اجتماعی بودن عبادات به اصطلاح فردی، می توان اجتماعی بودن ماهیت تربیت معنوی را - در برابر ماهیت فردی معنویت های نوظهور - نشان داد و مزیت تربیت معنوی با رویکرد اسلامی را در یکپارچه

نمودن ساحت‌های فردی و جمعی زندگی را نشان داد. به عبارت دیگر، می‌خواهیم نشان دهیم که در دین اسلام، تربیت معنوی، به طور طبیعی، تربیت اجتماعی را نیز با خود دارد. بنابراین، انسانی که تحت تربیت معنوی قرار می‌گیرد، ساحت‌های فردی و اجتماعی او به طور هماهنگ رشد می‌یابند. به طور دقیق‌تر، تربیت معنوی یک زمینه وسیعی است که تربیت در سایر ساحت‌ها را نیز درون خود و با خود دارد.

"عبادت" به عنوان مصداق بارزی از عمل صالح (داودی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۹-۱۵۸) جایگاه مهمی در دین اسلام دارد. این اصطلاح دارای دو معناست. در معنای خاص، صرفاً به کارهایی که فی‌نفسه بیانگر عبودیت و بندگی هستند، عبادت اطلاق می‌شود؛ مانند نماز و روزه (داودی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۰-۱۰۹) و در معنای عام، هر عمل پسندیده‌ای که به قصد رضای خداوند یا اجرای فرمان او انجام شود، عبادت اطلاق می‌شود (مشکینی، بی‌تا، ص. ۳۶۶). رمز این امر در اخلاص است؛ اخلاص می‌تواند به همه کارهای روزمره (نظیر خوردن، آشامیدن، خوابیدن، کسب کردن، سخن گفتن و شنیدن) رنگ عبادت بدهد. بدین معنا که اگر این کارها به انگیزه‌هایی همانند نیرو گرفتن برای عبادت، کمک به دین الهی، تقویت نظام اسلامی و گره‌گشایی از مشکلات بندگان خدا باشد، رنگ عبادت به خود می‌گیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ص. ۵۴۸). با این حال، کارهایی که فی‌نفسه بیانگر عبودیت و بندگی هستند، مانند نماز و روزه، عین عبودیت و بندگی هستند (نه این که رنگ عبادت به خود بگیرند) و ارتباط قوی‌تری با ایمان دارند و تاثیر بیشتری بر تقرب انسان می‌گذارند و زمینه را برای تحقق عبادت به معنای وسیع کلمه (عبادت به معنای اول) فراهم می‌آورند (داودی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۰-۱۰۹).

در این میان، کارکرد تربیت عبادی و حدود و ثغور آن، و به ویژه، نسبت آن با سایر

ساحت‌های تربیت، در ادبیات تربیتی کشور جالب توجه است. به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد که در ادبیات تخصصی تربیت، از "تربیت عبادی" صحبت به میان آمده، بیشتر نگاه آخرت‌گرایانه مد نظر بوده است و به علاوه، از ساحت‌های اجتماعی جدا در نظر گرفته شده است. به عنوان نمونه، در مبانی نظری سند تحول، در میان ساحت‌های شش‌گانه تربیت، ساحت "اعتقادی-عبادی-اخلاقی" به صورت جدا از ساحت "اجتماعی-سیاسی" مطرح شده است. طبق این سند، ساحت "تربیت اعتقادی-عبادی-اخلاقی"، بخش خاصی از تربیت است که برای تقویت روند دین‌داری و دین‌ورزی متربیان صورت می‌پذیرد و در این ساحت، اعتقادات و مناسک دینی مورد توجه قرار می‌گیرد و متربیان برای رسیدن به ایمان و باور و عمل به آن‌ها تربیت می‌شوند. لذا قلمرو تربیت "اعتقادی-عبادی-اخلاقی"، ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و ائمه معصومین علیهم‌السلام و پیروی از ایشان معرفی شده است. از سوی دیگر، بر حسب این سند، ساحت تربیت "اجتماعی و سیاسی" بخش دیگری از جریان تربیت رسمی و عمومی است که متربیان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. لذا مواردی هم‌چون: ارتباط مناسب با دیگران، مسئولیت‌پذیری، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی، وفاق و همدلی، مسالمت‌جویی، و نظایر این‌ها به طور مشخص ذیل ساحت "تربیت اجتماعی سیاسی" جای گرفته‌اند؛ نه ذیل "تربیت اعتقادی-عبادی-اخلاقی" (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، ص. ۳۰۳-۳۰۲).

در برخی کتب تربیتی دیگر، تربیت، شامل چهار بعد تعریف شده: تربیت اعتقادی، تربیت عبادی، تربیت اخلاقی و تربیت علمی اشاره شده و تربیت عبادی، خود، در قالب

چهار مورد: قرآن، ذکر و دعا، نماز و روزه مطرح شده است (داودی، ۱۳۸۹). طبق این نظر، اگر معارف اسلام را شامل سه مقوله اعتقادات، اخلاقیات و احکام بدانیم، احکام اسلامی خود به دو دسته عبادات و معاملات تقسیم می‌شود. عبادات مهم در اسلام عبارتند از: نماز، روزه، خمس، زکات و صدقه، حج، ذکر خدا، دعا و تلاوت قرآن. معاملات نیز بخش دیگری از احکام است که ناظر بر امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تجاری و احوالات شخصیه مردم است. طبق دسته‌بندی این کتاب، بعد دیگری از تربیت دینی، تربیت اخلاقی است؛ و اخلاقیات اسلامی نحوه تعامل یک فرد مسلمان با دیگران را در زندگی مشخص می‌کنند: صداقت، پشتکار، اخلاص، خیرخواهی، و محبت (داودی، ۱۳۸۳، ص. ۳۰-۲۹). طبق توضیحات مذکور، به نظر می‌رسد که ابعاد اجتماعی و بین فردی، بطور صریح تری ذیل تربیت اخلاقی مطرح شده‌اند؛ نه تربیت عبادی. برخی صاحب‌نظران نیز معتقدند که ساحت‌های تعلیم و تربیت را می‌توان با توجه به انواع روابط انسان: رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با طبیعت، و رابطه انسان با انسان‌های دیگر تعیین کرد (فتحعلی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۶۸). یعنی در این جا نیز به نظر می‌رسد که ساحت تربیتی مربوط به تنظیم ارتباط انسان با خدا، از ساحت ارتباط انسان با انسان‌های دیگر (ساحت اجتماعی) جدا بیان شده است. حداقل، دسته‌بندی‌های رسمی، این نوع برداشت را به ذهن متبادر می‌سازد.

اساساً، در منابع زیادی، عبادات به دو دسته عبادات فردی و عبادات اجتماعی - سیاسی (مانند نماز جماعت و حج) تقسیم‌بندی شده‌اند و وجود ابعاد اجتماعی عمدتاً در برخی از عبادات یعنی عبادات جمعی مورد تأکید بوده‌است. به عنوان نمونه، طالبان (۱۳۹۱) اعمال دینی را شامل دو دسته: اعمال دینی فردی (نمازهای یومیه، روزه، تلاوت

قرآن، صدقه دادن، دعا یا زیارت نامه خواندن به طور فردی) و اعمال دینی جمعی (نماز جمعه، نماز جماعت در مسجد یا ادارات، شرکت در مراسم جشن های مذهبی، مراسم دعای کمیل، مراسم عزاداری و مراسم شب های احیا) تقسیم کرده است. تیموری و محمدجعفری (۱۴۰۰) نیز وظایف عبادی را به دو دسته: وظایف عبادی فردی (نماز، حج، دعا و فراگیری مسائل دینی) و وظایف عبادی اجتماعی (اذان گویی، نماز جماعت و امامت جماعت، جهاد و شهادت دادن) تقسیم کرده است. غلامی و میراحمدی (۱۳۹۳) نیز عبادت را شامل دو دسته: عباداتی که شکل فردی دارند (مانند نماز و روزه) و عبادات جمعی (مانند نماز جماعت، نماز جمعه، نماز عیدین و حج) تقسیم کرده اند. در این گونه دسته بندی ها، این طور توضیح داده می شود که عبادات فردی، جنبه فردی دارند و منافع آن ها بیشتر و در درجه اول متوجه خود شخص می شود؛ مانند روزه، اعتکاف، حج، تحصیل علم و کسب معاش. و عبادات اجتماعی شامل سلسله اعمال و وظایفی می شوند که منافع و آثار آن متوجه افراد اجتماع می شود؛ مانند جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، خمس و زکات (صادقی اردستانی، به نقل از تیموری و محمدجعفری، ۱۴۰۰).

در کتاب ولایت فقیه امام خمینی ره (۱۳۹۲، ص. ۱۱) آمده است: "نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است! از یک دوره کتاب حدیث، که حدود پنجاه است و همه احکام اسلام را در بردارد، سه - چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان نسبت به پروردگار است؛ مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است؛ بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق، و سیاست و تدبیر جامعه است." در اینجا نیز اجتماعیات جدا از عبادات مطرح شده اند.

مطالب مذکور بیشتر ناظر بر دسته بندی ها و یا اشاراتی در مورد نسبت میان ابعاد

فردی و اجتماعی اعمال و تکالیف انسان در زندگی هستند؛ اما علاوه بر اینها، اگر مستقیماً به سراغ تعاریف "تربیت عبادی" برویم و آنها را نیز مورد مذاقه قرار دهیم، مشاهده می‌شود که در بسیاری از تعاریف، عمدتاً تأکید بر ارتباط فرد با خداوند است و مفاهیمی هم‌چون: خضوع و خشوع در برابر خداوند مورد توجه است. به عنوان نمونه گفته شده است: تربیت عبادی شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است. تربیت عبادی بعدی از تربیت دینی است که مرتبی را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا، و آنان را با انگیزه راسخ، مکلف به انجام آن می‌کند (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰). تربیت عبادی، آموزش عبادات به مرتبیان و متعهد کردن آنان به انجام آنها است؛ و مهم‌ترین عبادات عبارتند از: نماز، روزه، خمس و زکات و صدقه (عبادات مالی)، حج، ذکر و دعا، و تلاوت قرآن (داودی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۱). تربیت عبادی به توسعه رابطه صحیح بین انسان و خدا و رسیدن به هدف خلقت می‌انجامد (داودی و همکاران، ۱۴۰۰). در تعریفی دیگر، تربیت عبادی عبارت است از آموزش عبادات و کیفیت آنها و تلاش برای ایجاد روحیه پرستش و نیایش در مرتبی به گونه‌ای که به انجام مناسک و تکالیف عبادی متعهد شود (موسوی، ۱۳۹۵، ص. ۵۸، به نقل از مطهری، ۱۳۹۹). تربیت عبادی به معنای ایجاد تدریجی و گام به گام روح عبادت و بندگی و حالت تذلل و خواری نسبت به پرورگار عالم در انسان‌هاست تا مرحله رساندن آنها به حدّ نهایی و کمال مقام عبودیت (رضایی اصفهانی و نجفی جزه‌ای، ۱۳۹۵).

بدین ترتیب، مفهوم پردازی‌هایی که راجع به تربیت عبادی شده، و آنچه به طور شفاف تصریح شده، عمدتاً ناظر بر ارتباط معنوی با خداوند است؛ و حداقل این‌که، تصریح یا اشاره خاصی به ابعاد اجتماعی نشده است. و اقدامات تربیتی ناظر بر اصلاح

ارتباط انسان با سایر مردم، عمدتاً ذیل ساحات دیگری هم چون: تربیت اخلاقی یا تربیت اجتماعی مطرح شده‌اند؛ گویی بخشی و ساعاتی از زندگی (و تربیت)، اختصاص به راز و نیاز و مناجات و رابطه خصوصی با خداوند دارد و بخش دیگر، به تعامل با مردمان اختصاص می‌یابد. حتی اگر بگوییم که اصلاح رابطه با خداوند به طور طولی، اصلاح رابطه با مردم را نیز در پی دارد، و تقرب به خدا، متضمن یا مستلزم اصلاح تمامی روابط انسان- از جمله روابط اجتماعی او- است، باز هم این نکته قابل عرض است که دست کم در ظاهر عبارات و تعاریف و دسته بندی‌ها، این دو ساحت- ارتباط با خدا و ارتباط با مردم- در بسیاری از موارد، به صورت جدا مطرح شده‌اند که در دراز مدت و در غیاب دقت کافی، می‌تواند خط کشی میان این ابعاد، و در نتیجه فردی بودن تربیت عبادی و معنوی را در برخی اذهان نهادینه کند.

از سوی دیگر، برخی از آثاری که "اهداف" تربیت عبادی را تشریح کرده‌اند، به میزان بسیار بیشتری به موارد فردی (و نیز آخرت گرایانه) اشاره کرده‌اند (گرچه در کنار اینها به میزان کمتری موارد اجتماعی نیز ممکن است اشاره شده باشد)؛ به عنوان مثال: طهارت معنوی، یاد خدا، رسیدن به مقام عبودیت، هدایت شدن، رستگار شدن، آرامش روحی، بهره‌مندی از علم ناب الهی، رسیدن به تقوا، قرار گرفتن در صراط مستقیم، رسیدن به بهشت، رهایی از دوزخ، کسب رحمت الهی، خروج از تسلط شیطان، دوری از فحشا، بهره‌مندی از برکات آسمان و زمین، زائل شدن غصه‌ها، رسیدن به مقام شکر، رسیدن به قوه تشخیص حق از باطل، وارث زمین شدن و عزت در برابر دشمنان (رضایی اصفهانی و نجفی جزه‌ای، ۱۳۹۵).

برخی منابع نیز به "ابعاد" عبادت و تربیت عبادی اشاره کرده‌اند. مثلاً عبادت را شامل

سه بعد: عبادت عقلانی (مانند تفکر در اسرار آفرینش)، عبادت جسمانی (مانند رکوع و سجود) و عبادت اجتماعی-سیاسی دانسته‌اند؛ و اشاره کرده‌اند که برخی عبادات جنبه اجتماعی-سیاسی دارند یا بعد اجتماعی-سیاسی آنها غلبه دارد و برای پرورش و تربیت جامعه اسلامی هستند؛ مانند: امر به معروف و نهی از منکر، نماز، زکات و حج (رضایی اصفهانی و نجفی جزه‌ای، ۱۳۹۵). لذا بر اساس این گونه تقسیم بندی‌ها، بسیاری عبادات، فاقد بعد اجتماعی معرفی می‌شوند یا این که حاوی جنبه اجتماعی ضعیف هستند؛ و به هر حال، چنین تلقی را ایجاد می‌کنند.

هم چنین در مواردی که راجع به "اهمیت و ضرورت" تربیت عبادی سخن گفته شده، آنچه عمدتاً تصریح و تأکید شده این است که عبادات رشد دهنده و مکمل ایمان و اعتقادات هستند (داودی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۸). می‌توان این طور برداشت کرد که در اینجا نسبت میان تربیت عبادی با تربیت اعتقادی بیشتر مطرح شده، تا نسبت میان تربیت عبادی با ابعاد اجتماعی و تربیت اجتماعی. گرچه ما می‌دانیم که ایمان و اعتقاد صحیح، به دنبال خود عمل صالح می‌آورد و عمل صالح نیز شامل انواعی از اعمال نیک فردی و اجتماعی است، اما به هر حال، در مقام متن صریح نوشتارها، رابطه بین فرد و خداوند تصریح شده است.

البته در این میان، برخی محققان نیز به جنبه‌های اجتماعی عبادات توجه کرده‌اند؛ اما آن‌ها نیز نوعاً برخی عبادات خاص مانند نماز جمعه و نماز جماعت را مد داشته‌اند. به عنوان نمونه، سعیدیان جزئی (۱۳۹۶) ضمن توجه به نماز جماعت، نماز جمعه، نماز عید و به طور کلی جایگاه مسجد، به اثرات اجتماعی این نمازها پرداخته است. دشتی و مهدی‌فر (۱۳۹۸) نیز تأثیر نماز جماعت را در جامعه‌پذیری تشریح و تبیین کرده‌اند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که معمولاً برای برخی عبادات مانند نماز جمعه و جماعت و حج، جنبه اجتماعی مد نظر قرار گرفته شده؛ اما حداقل، برای عبادات موسوم به عبادات فردی، این جنبه چندان مدنظر نیست. اگر عبادات و یا دست کم، عبادات به اصطلاح فردی را که بخش مهمی از عبادات هستند را عمدتاً حاوی جنبه فردی در ذهن داشته باشیم، در تربیت عبادی نیز، ناخودآگاه چنین نگاهی به تدریج در ذهن و جان متریبی شکل می‌گیرد و رابطه با خداوند جدا از رابطه با اجتماع و مردم تلقی می‌شود. و بر عکس، اگر ابعاد و ماهیت اجتماعی عبادات (حتی عبادات به اصطلاح فردی) به صورت دقیق و روشنی تبیین شود، علاوه بر اصلاح و تدقیق انگاره‌ها از مفهوم عبادت و مفهوم‌پردازی درست از تربیت عبادی، دلالت‌های مهمی نیز برای اجتماعی بودن "معنویت" و "تربیت معنوی" در اسلام در پی خواهد داشت؛ که می‌تواند رقیبی درخور، برای معنویت فردگرای غربی باشد.

آیت‌الله جوادی آملی، فقیه، فیلسوف و مفسر بزرگ قرآن کریم، در زمینه معارف گوناگون دینی از جمله درباره عبادات آثار ارزشمندی دارند که بررسی آن‌ها می‌تواند در این زمینه مفید و موثر باشد. هدف این تحقیق بررسی جنبه‌های اجتماعی عبادات به اصطلاح فردی، از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی است. فرضیه این تحقیق آن است که حتی عبادات فردی، مشحون از جنبه‌های اجتماعی هستند و در خصوصی‌ترین ارتباطات انسان با خدا نیز، آدمی با هویت جمعی خود نزد خداوند حاضر می‌شود. و بنابراین، این‌گونه نیست که معنویت در اسلام یک امر فردی و بی‌ارتباط با دیگران باشد.

پیشینه پژوهشی

در مورد "عبادت" تحقیقات زیادی انجام شده است. برخی از این تحقیقات رویکرد

فلسفی کلامی دارند و جنبه اجتماعی عبادات مدنظر محقق نبوده‌است (مانند: شجاری، ۱۳۹۰؛ سبجانی، ۱۳۹۱؛ علی پور، ۱۳۹۲؛ مرتضوی باباحیدری، ۱۳۹۲؛ بحرانی و همکاران، ۱۳۹۴). در برخی دیگر از پژوهش‌ها به جنبه‌های اجتماعی عبادات اشاره‌هایی شده‌است. به عنوان نمونه، رضایی اصفهانی و نجفی جزه‌ای (۱۳۹۵) تربیت عبادی را از منظر قرآن بررسی کرده‌اند. در این مقاله مبانی تربیت عبادی (هم‌چون خدامحوری، فقر ذاتی)، اهداف (لقاء الله)، ویژگی‌ها (خاضعانه، خالصانه، عاشقانه بودن) و نیز ابعاد آن (عقلانی، جسمانی و اجتماعی سیاسی)، موانع و آسیب‌های تربیت عبادی بررسی شده‌است. در بخشی از مقاله به اختصار اشاره شده که در برخی از عبادات جنبه اجتماعی - سیاسی غلبه دارد مانند: امر به معروف و نهی از منکر، زکات، نماز جمعه و حج؛ و آنها برای پرورش جامعه اسلامی مفید هستند. سعیدیان جزی (۱۳۹۶) نیز به اثرات اجتماعی نماز جماعت، نماز جمعه، نماز عید و به طور کلی جایگاه مسجد اشاره شده و مواردی هم‌چون: ممانعت از انحراف جامعه، تحکیم و پایداری مناسبات انسانی، ایجاد زمینه نظم، امنیت و اعتماد اجتماعی مطرح شده‌است. دشتی و مهدی‌فر (۱۳۹۸) نیز تاثیر نماز جماعت را در جامعه‌پذیری مورد بررسی قرار داده‌اند. کوثری (۱۴۰۰) آثار فردی و اجتماعی روزه را مورد بررسی قرار داده به اثرات فردی (عبادی، اخلاقی، بهداشتی، روحی-روانی و پاداش اخروی) و سپس اثرات اجتماعی روزه در قالب دو مورد: درک سختی فقرا و احساس برابری با فقرا اشاره کرده است.

اما در مورد عبادت یا تربیت عبادی از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی تحقیقات انگشت شماری انجام شده‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها بدین ترتیب هستند: ارباب‌زایی (۱۳۹۶)

عبادت را از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و ابن تیمیه مورد مقایسه قرار داده و دریافته است که آیت‌الله جوادی، عبادت را نوعی خضوع و خشوع قلبی و انجام عملی با اعتقاد به الوهیت می‌داند که ناشی از نیاز خاضع و خاشع است. لذا این پژوهش با رویکرد کلامی انجام شده و به جنبه‌های اجتماعی عبادت اشاره‌ای نشده است. کاوه (۱۴۰۱) مفهوم و جایگاه دعا را از نظر تلمود و جوادی آملی (با تکیه بر تسنیم) مقایسه کرده است. در بخشی از یافته‌ها، در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی دلیل دعا فقر ذاتی حیّ متألّه است و الفاظ دعا نقل سخن معصوم علیه السلام و معرفت داعی به مضامین آن یقینی و موجب ارتقا معرفت اعتقادی، تربیتی، عبادی و تمایز جایگاه دعا می‌شود. پورسیاحی و همکاران نیز حقیقت اسرار عبادات (نماز، حج) را از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و دیدگاه علامه طباطبایی (۱۴۰۱ الف) و امام خمینی (۱۴۰۱ ب) مقایسه کرده‌اند و دریافته‌اند که آیت‌الله جوادی آملی بیشتر بر اسرار عرفانی نماز و بُعد عرفانی و تهذیب نفس نماز و حج تأکید داشته است. بدین ترتیب، در مورد جنبه‌های اجتماعی عبادت به خصوص از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، تحقیقات بسیار اندکی در کشور ما انجام شده و نیاز به بررسی بیشتر دارد.

از سوی دیگر، در مورد معنویت از دیدگاه آیت‌الله جوادی نیز تحقیقات معدودی انجام شده‌اند که مساله پژوهش با مساله تحقیق حاضر متفاوت است. مثلاً، کرمی و رحمانی (۱۳۹۹) عوامل و موانع سلامت معنوی را از منظر آیت‌الله جوادی بررسی کرده‌اند و خواستگاه سلامت معنوی را قلب سلیم و عقیده باطل (شرک) را تباه کننده آن دانسته‌اند. تقی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) سلامت معنوی را بر مبنای حیات طیبه قرآنی در دیدگاه آیت‌الله جوادی بررسی کرده‌اند و سه راهکار ارائه داده‌اند: تزکیه عقل، تزکیه روح

و توضیحیه نفس. هم چنین، آهنچی و صباغچی (۱۴۰۰) بر اساس نظریه تفسیر انسان به انسان آیت‌الله جوادی، راهکارهایی را برای تحقق سلامت معنوی مطرح نموده‌اند: توجه به مقام خلیفه‌اللهی، نگاه آیه‌ای به هستی، فهم فلسفه حیات انسانی و نظایر این‌ها. تنها و یدالله‌پور (۱۴۰۰) نیز مبانی سلامت معنوی را در اندیشه آیت‌الله جوادی بررسی کرده‌اند و به مواردی هم‌چون توحید، معادباوری و دارا بودن روح الهی اشاره کرده‌اند و به مواردی هم‌چون توبه، عبادت، آراستگی به فضایل اشاره کرده‌اند. نکته مهم در تمام این پژوهش‌ها این است که در هیچ کدام از این‌ها بعد اجتماعی و نقش‌آفرینی اجتماعی عبادت مدنظر نبوده‌است؛ و حتی می‌توان گفت که عمدتاً سلامت معنوی با رویکرد فردی بررسی شده‌است. در حالی که این پژوهش در صدد آن است که ماهیت اجتماعی معنویت و تربیت معنوی را - با عنایت به جنبه اجتماعی عبادت - در دیدگاه آیت‌الله جوادی نشان دهد.

سوالات و روش تحقیق

این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی برای عبادات چه مولفه‌های اجتماعی را می‌توان مطرح کرد؟ منظور از عبادات در این تحقیق (با توجه به سرفصل‌هایی که در کتاب‌های آیت‌الله جوادی‌آملی آمده‌است): ذکر، دعا، نماز، روزه و اعتکاف است. این مطالعه از نوع کتابخانه‌ای-اسنادی است و روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی می‌باشد. برای پاسخ‌گویی به این سوال، دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی‌آملی در دو کتاب خاص ایشان: حکمت عبادات (۱۳۸۳) و دانش و روش بندگی (۱۳۹۴) که به طور ویژه ناظر بر عبادات هستند، مورد مطالعه تحلیلی قرار گرفت. عباراتی که به هر گونه جنبه اجتماعی در

عبادات مذکور اشاره می‌کرد، فیش برداری شد. سپس فیش‌ها کدگذاری و دسته‌بندی شدند و محتوای آن‌ها سازماندهی شد و موارد به دست آمده تحت عنوان مولفه‌های اجتماعی اولیه، در جداول مربوطه قرار گرفت. سپس، از طریق با هم‌نگری و جمع‌بندی مولفه‌های مذکور، هشت مولفه اصلی در بعد اجتماعی عبادات به دست آمد.

یافته‌ها

برای پاسخ به سوال تحقیق، ابتدا عبارات معنایی در آثار منتخب از آیت‌الله جوادی‌آملی که مشتمل بر اشاراتی به جنبه‌های اجتماعی در عبادات مورد نظر بود، استخراج و مولفه‌های اجتماعی اولیه از آن استخراج شدند که به دلیل محدودیت‌های موجود، نمونه‌هایی از یافته‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده است:

محور اصلی (عبادات)	عبارت مفهومی	مولفه اجتماعی اولیه
ذکرگویی	چون ذکر به معنای یاد است و اختصاصی به نام ندارد و مذاکره علمی پیرامون معارف و احکام مصداق بارز یاد خداست، لذا حوزه تعلیم و تربیت، منطبقه ذکر خدا خواهد بود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۳۱۷).	تعلیم و تربیت، مصداق ذکر خدا
	یاد خدا با تفکر عمیق علمی که آن هم ذکر خداست، کاملاً هماهنگ است و هر کدام دیگری را تایید و از دیگری استمداد می‌کند یعنی یاد خدا سبب تقویت بنیه علمی می‌شود و هوش را شکوفا می‌کند و مذاکره علمی روح را به یاد خدا مترنم و متذکر می‌سازد و هر کدام افسرده شدند، دیگری او را شاداب و شکوفا می‌سازد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۳۱۷).	یاد خدا و مذاکره علمی
	گرچه یاد خداوند عبادت است و به کثرت آن امر شده است تاثیر آن در موارد خاص بیش از دیگر	ذکر و یاد خدا در تجارت، بیع و جنگ

مؤلفه اجتماعی اولیه	عبارت مفهومی	محور اصلی (عبادات)
	<p>موارد است، مانند مورد اشتغال شخص به بیع و تجارت و مانند پرداختن به جنگ در حالت تهاجم دشمن که یاد خدا در صحنه نبرد نه تنها مانع فرار از جبهه جنگ می‌شود سبب پیروزی می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ص. ۴۲۷).</p>	
<p>نماز؛ و رفع حسد، کینه و عداوت نسبت به دیگران</p>	<p>این که گفته‌اند خدا را بخوانید و بخواهید که شما را لحظه‌ای به حال خود وا نگذارد برای آن است که حسد، کینه و عداوت دین را حلق می‌کند و چیزی برای ریشه‌های دین باقی نمی‌گذارد. هرگز کینه یکدیگر را در دل نگیرید منشأ این امور خودخواهی است و نماز خودخواهی را از بین می‌برد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۷).</p>	<p>نماز</p>
<p>نماز؛ و تواضع در برابر دیگران</p>	<p>سجده، انسان را خاکسار و متواضع می‌کند، انسان خاکسار هرگز نمی‌گوید من (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶).</p>	
<p>نماز شب؛ و خیرخواهی و دعا برای دیگران و به فکر مشکلات ایشان بودن</p>	<p>آن دینی که می‌گوید هنگام سحر در نماز شب عده زیادی را دعا کن حداقل چند نفر یا بیشتر، همان دین می‌گوید روز به فکر حل کار ۴۰ مومن باش برای اینکه وقتی می‌گوید شب برخیز و دیگران را هم دعا کن یعنی روز هم مواظب کارشان باش این دستور درس کرم به انسان می‌آموزد که دیگران مهمان سفره انسان باشند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۹).</p>	
<p>نماز جماعت و جمعه؛ و صفا و محبت میان مردم</p>	<p>همسایگان مسجد باید نماز را در مسجد بخوانند و اگر به جماعت در مسجد موفق نشوند لاقبل به صورت فرادا نماز را در مسجد بخوانند تا یکدیگر را در آنجا ببینند و با این کار، محبت و صفای متقابلی ایجاد شود. پس از اینکه مردم عادت کردند نماز</p>	

مؤلفه اجتماعی اولیه	عبارت مفهومی	محور اصلی (عبادات)
	<p>پنج‌گانه را به جماعت بخوانند هفته یک بار مردم یک منطقه در یک جا برای نماز جمعه حضور پیدا کنند و سپس به آنها دستور داده شده که سالی دو بار نماز عید فطر و قربان را با هم بخوانند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۳۳۶). (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۱).</p>	
<p>نماز جمعه و جماعت؛ و شکوفایی خرد جامعه</p>	<p>تنهایی اندیشیدن نماز را فرادا اقامه کردن و تنهایی بر مصیبت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله گریستن گرچه ثواب دارد و نیکوست اما برای شکوفایی عقل گروهی کافی نیست سفارش‌هایی که درباره شرکت در برنامه‌های گروهی مانند حضور در مسجد و نمازهای جمعه و جماعت و کنگره بین‌المللی حج شده است همگی برای شکوفایی خرد جامعه اند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص. ۳۲۹).</p>	
<p>روزه؛ و خیرخواهی و نیک اندیشی برای دیگران</p>	<p>تا چه اندازه ما به باطن روزه می‌پردازیم که نه تنها ظاهرمان روزه بگیرد و چیزی نخوریم و نیاشامیم بلکه سر و درون ما هم روزه بگیرد نگذاریم خاطره‌ای در دل خطور کند که خدا نمی‌پسندد مبادا در دل بد کسی را بخواهیم چنین نیست که اگر خاطرات در دل عبور کرد خدای سبحان نداند یا دل انسان تیره نشود (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۱).</p>	
<p>روزه؛ و اطعام و کمک به غیرمسلمان</p>	<p>در روزه داری سخن از کمالات معنوی است و این مقام برای انسان وجود دارد اگر این مقامات برای ما نبود دستور خواندن این دعاها را نمی‌دادند پس می‌شود به آن مقام رسید چون می‌توان روزه مستحبی گرفت و افطاری خود را به یک غیرمسلمان اسیر داد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۵).</p>	روزه
<p>دعا و ذکر؛ و ایثار و</p>	<p>در دعا‌های شب‌های ماه مبارک رمضان داشتن چنین</p>	

مؤلفه اجتماعی اولیه	عبارت مفهومی	محور اصلی (عبادات)
فداکاری در حق دیگران	<p>روحی بلند را به انسان توصیه می‌کنند که به خدا عرض کنید خدایا تو که دینت را حفظ می‌کنی و ممکن نیست دست از آن برداری توفیق بده تا دین تو به دست من زنده شود نه اینکه دیگران دین تو را زنده کنند و من کنار سفره دین بنشینم بگذار نماز و روزه به دست من و با خون من زنده شود که دیگران مهمان من باشند نه اینکه دیگران بچنگند و خون بدهند و دین را احیا کنند و من نماز بخوانم و روزه بگیرم (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۶).</p>	
روزه؛ و همدردی و همدلی با نیازمندان جامعه	<p>در بعضی از روایات فضیلت روزه آمده است روزه بگیرید تا گرسنه شوید و درد گرسنگان را بچشید این به زبان ما سخن گفتن از قدم‌های اولیه است و گرنه چرا باید بگذاریم کسی گرسنه باشد و خودمان همیشه سیر باشیم در قیامت عده‌ای واقعاً گرسنه هستند غذا می‌خورند ولی هرگز سیر نمی‌شوند همان‌طور که در دنیا هرگز سیر نمی‌شدند چون حس آز و طمع تمام شدنی نیست، در آخرت هم به صورت «هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» (ق: ۳۰) ظهور می‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۱).</p>	
روزه؛ و مدارا و ملاحظت با زیردستان	<p>در ماه مبارک رمضان می‌بایست نسبت به کسانی که زیر دست انسان حساب می‌شوند ارفاق و ملاحظت داشت زیردست و بالا دست در قیامت مشخص می‌شوند (حکمت: ۴۵۲) (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۴).</p>	
روزه؛ و طلب خیر و عافیت برای همگان	<p>یکی از وظایف دیگر در ماه رمضان توبه و دعاست سعی کنید تنها برای خود دعا نکنند بلکه برای همه طلب خیر و عافیت نماید چنانکه قرآن ادب دعا کردن و نوع آن را چنین بیان می‌کند: «پروردگارا در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیکی عطا کن» (بقره: ۲۰۱)</p>	

محرور اصلی (عبادات)	عبارت مفهومی	مؤلفه اجتماعی اولیه
	(جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۹).	
دعا و استغفار	راه آزادی، استغفار و طلب آمرزش است از این رو گفته‌اند در شبانه روز چندین بار بگو استغفرالله ربی و اتوب الیه. در نماز و غیر نماز برای خود و دیگران طلب آمرزش کنید نه برای رهایی از آتش و نه برای رفتن به بهشت و متنعم شدن در آن بلکه باید هدف بالاتر از این مسائل باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۰).	نماز، دعا؛ و طلب آموزش برای همگان
	دعا نیز دارای احکام آداب و اسراری است احکام دعا عبارت از آن است که انسان چه چیزی از خدا بخواهد موظف است که حرام از خدا طلب نکند چیزی که آسیب به غیر می‌رساند از خدا نخواهد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۲۱۱).	دعا؛ و اجتناب از بدخواهی برای دیگران
اعتکاف	گرچه خروج از مسجد برای معتکف روا نیست؛ ولی برای شرکت در نماز جمعه و یا انجام کارهای ضروری می‌تواند از مسجد خارج شد. چنان‌که حل مشکلات نظام اسلامی و رفع نیاز نیازمندان در جامعه اسلامی چنان مهم است که برای حل گره و مشکل یک مسلمان به معتکف اجازه داده شده هم‌چنان‌که در حال اعتکاف است از مسجد بیرون آید مشکل نظام و مردم را حل کند و دوباره به جای خود برگردد. که آن هم ادامه همین عبادت به حساب می‌آید نه بیگانه و جدای از آن چون ارزش اعتکاف به عبادت آن است همان‌طور که وقوف در منا و مشعر و عرفه عبادت است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۶-۱۸۷)	اعتکاف؛ و مشکل‌گشایی از مردم و نظام
	شایسته است که معتکف در چنین حالی اول از ظهور ولی خدا بقیه الله را مسئلت دارد آنگاه بقا و دوام نظام، صیانت و عظمت مقام معظم رهبری بقای حوزه و	اعتکاف؛ و دعای خیر برای نظام اسلامی، دعا برای فرج و نجات مسلمین

محرور اصلی (عبادات)	عبارت مفهومی	مؤلفه اجتماعی اولیه
	صیانت و عظمت مراجع تقلید و صیانت و عظمت امت اسلامی و نجات مسلمانان محروم در شرق و غرب عالم را از ذات اقدس اله درخواست کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۹). چه بهتر که از این فیض الهی بهره جامع بگیریم و نه تنها به فکر خود و نزدیکان خود بلکه به فکر اسلام و مسلمین باشیم و برای همه دعا کنیم (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۹۰).	جهان
	اعتکاف مانند نماز نیست که بتوان آن را در هر مکانی به جا آورد... اعتکاف باید در مسجد جامع یا مسجدالحرام یا مسجدالنبی باشد... که مصلاهی توده مسلمانان است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳).	اعتکاف در حالت همنشینی با دیگران

جدول ۱. نمونه‌هایی از استخراج مؤلفه‌های اجتماعی اولیه در عبادات در دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی

یافته‌ها نشان داد که عبادات مذکور آمیخته با ابعاد اجتماعی متنوعی هستند. از طریق با هم‌نگری و جمع‌بندی مؤلفه‌های اجتماعی، در مجموع هشت مؤلفه اصلی در بعد اجتماعی عبادات به دست آمد (جدول شماره ۲)

مؤلفه‌های اجتماعی اولیه در عبادات	منابع استخراج مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های اجتماعی اصلی
قرار گرفتن در جمع	مانند: جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳	بودن با جمع
خیراندیشی و خیرخواهی برای دیگران	مانند: جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۹؛ ص. ۱۴۱	محبت و خیرخواهی عمومی و پیوندهای اجتماعی
طلب آموزش برای همگان	مانند: جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۰	
طلب عافیت برای همگان	مانند: جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۹	
محبت نسبت به مومنان	مانند: جوادی‌آملی، ۱۳۸۶؛ ص. ۲۲۲؛ ۱۳۸۶،	

مؤلفه‌های اجتماعی اصلی	منابع استخراج مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های اجتماعی اولیه در عبادات
	ص. ۳۳۶؛ ۱۳۹۴، ص. ۲۵۱	
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۸؛ ص ۲۲۹	دعا در حق اهل ایمان
حمایت مالی از قشر نیازمند جامعه	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۱	همدردی و همدلی با نیازمندان جامعه
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۵	مهار طمع و آز
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۵؛ ص ۱۵۲	اطعام و بخشندگی به اعضای جامعه
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۳؛ ص ۱۵۲؛ ص ۲۶۹	اطعام نیازمندان
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۵	اطعام و کمک به غیرمسلمانان گرفتار
زدودن رذایل اخلاقی - اجتماعی	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۷؛ ص ۲۱۱	رفع حسد و کینه و عداوت نسبت به دیگران
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۵	حفظ زبان و اجتناب از آزارهای زبانی
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۶	حفظ چشم و گوش از گناهان
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۲۱۱	اجتناب از آسیب به دیگران
تعامل اخلاقی اجتماعی	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۶-۱۸۷	مشکل گشایی از دیگران
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۲	مهمان‌نوازی و اطعام
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶	تواضع
حق‌گرایی و دفاع از حق و حقیقت	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۱	حق‌گرایی و حق‌طلبی
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱	انزجار از ظالم
دفاع از کشور	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۶	جهاد با دشمن
	مانند: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۶	ایثار و فداکاری در حق دیگران

مؤلفه‌های اجتماعی اصلی	منابع استخراج مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های اجتماعی اولیه در عبادات
بصیرت سیاسی و تلاش جهانی	مانند: جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۹-۱۹۰	خیرخواهی برای نظام اسلامی
	مانند: جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۹-۱۹۰	دعا برای گشایش و نجات مسلمین جهان

جدول ۲. مؤلفه‌های اجتماعی اصلی عبادات در دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی

بدین ترتیب، عبادت و حتی عباداتی که ظاهراً به صورت فردی اجرا می‌شوند، تهی از جنبه اجتماعی نیستند و توأم با جمع‌اندیشی، خیرخواهی عمومی، و حتی برخی از آنها آمیخته با اقدام عملی جهت رفاه حال عمومی (مانند اطعام در افطار) هستند. لذا این‌گونه نیست که انسان در حین عبادت، صرفاً به بهبود رابطه خود با خداوند بیندیشد. در چنین فضایی، التزام به انجام صحیح و کامل عبادات می‌تواند رفع مشکلات اجتماعی و بهبود تعاملات اجتماعی و انسجام جامعه و به تعبیر آیت‌الله جوادی‌آملی حتی به شکوفایی خرد جامعه (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ص. ۳۲۹) بینجامد. به عبارت دیگر، عبادات، نه تنها معنویت فردی، بلکه رشد و کمال جامعه را نیز در پی دارد.

اصولاً در اندیشه آیت‌الله جوادی‌آملی، رشد و کمال فردی و تقرب به آستان الهی، موضوعی نیست که انسان بدون ذهن و فکر جمعی و دغدغه و احساس مسئولیت اجتماعی و بدون تلاش‌ها و اقدامات جمع‌گرایانه بدان دست یابد. چرا که بر اساس نظر ایشان انسانی که در پی کمال و تقرب به الله است و در پی رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی است، این که امیر نفس خویش باشد، کمترین حد خلیفه‌اللهی برای اوست؛ اما اوج خلافت انسان این است که به فکر دیگران نیز باشد و دست دیگران را نیز بگیرد و بر دیگران به سان خورشید و ماه فرمانروا باشد و با نور خود، گمشدگان را به راه آورد. به

عبارت دیگر، کمال نهایی انسان دو چهره دارد: چهره‌ای که به خدا مرتبط است و "لقاءالله" است و چهره‌ای که با ماسوای خدا در ارتباط است و "خلافت الله" می‌باشد. برخی به لقاءالله می‌رسند و چون در همان لقای حق مستغرق‌اند، سفری به منظور خلافت الهی نسبت به ماسوا ندارند؛ اما کسانی که به مقام "جمع الجمع" بار یافته‌اند، در عین ادراک شهودی لقاءالله، ماموریت خلیفه الهی را نیز عهده دارند و ماسوای خدا را به اذن خدا تدبیر می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۰). تفاوت میان این دو چهره را می‌توان در تفاوت مرتبه سوم سفر و سفر چهارم از اسفار چهارگانه جستجو کرد. البته سالک اصلی که به فیض سفر چهارم بار یابد، کامل‌تر از دیگران خواهد بود و از این رو، نقطه اقصی فقط بهره‌چنین انسان کاملی است که در اثر مظهریت اسم اعظم و کون جامع شدن، فوز دیگران از افاضه او و محصول نهایت کمال وجودی اوست (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۱).

ایشان در جای دیگری نیز در راستای هویت جمعی و احساس مسئولیت اجتماعی در سالک الی‌الله می‌نویسند: انسان باید دارای همت بلند باشد، انسان سالک نیز در مسیر سلوک در جهتی حرکت می‌کند که به هدف بلند یعنی به مقام لقاء الهی برسد و به پیشگاه خدا بار یابد. در این رابطه نه تنها می‌خواهد خود به آن مقام بار یابد، بلکه می‌خواهد به مقامی برسد که امام و پیشوای دیگران شده تا دیگران به او اقتدا کنند. به عبارت دیگر، انسان وقتی در میدان مسابقه خیرات، گوی سبقت را از دیگران ربود، به این فکر نیست که فقط خویشتن را حفظ کند و به مقصد برسد، بلکه با همت بلند به فکر امامت اهل راه بوده و مردم را هدایت می‌کند. وقتی امام دیگران شد، آن مقام شامخ عنداللهی شدن کم کم به روی او گشاده می‌شود؛ یعنی چنین انسانی در درجه اول خود به مقصد رسیده و

سپس دست دیگران را نیز در این راه می‌گیرد: «و جعلنا للمتقين اماما» (فرقان: ۷۴) (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ص. ۴۲). بنابراین، سالک، تنها به فکر بهبود و ارتقای رابطه خصوصی خود با خداوند نیست.

در مجموع می‌توان گفت که اولاً، عبادات با سایر فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی به صورت مکمل در نظر گرفته می‌شوند، و به تعبیر آیت‌الله جوادی‌آملی، "نمازگزار"، به دیگران خیررسانی می‌کند، از اموال خود سهمی را هم، برای فقرا منظور می‌کند، ادای امانت می‌کند، به تعهدات اجتماعی خود پایبند است، در مسائل حقوقی به حق شهادت می‌دهد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۱-۹۶) و لذا اگر در دین توصیه به ترک دنیا شده‌است، "ترک دنیا" غیر از "ترک خدمت به مردم" است و به معنای ترک زرق و برق و رهایی از هوا و هوس است؛ و الا، انزوا و گوشه‌گیری و ترک خدمت به جامعه روا نیست؛ زیرا خدمت به مردم مسلمان، عبادت است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶، ص. ۸۵). طلاق دادن دنیا^۱ غیر از رها کردن امور جامعه و حل مشکلات بندگان خداست، زیرا روح الهی این کارها خیر به دنیا و آخرت است؛ نه دنیای مذموم. اگر کسی دنیا را طلاق دهد، بی‌طمع و با همه توان برای مردم کار خیر می‌کند؛ اما طلاق دادن دنیا و آخرت به منزوی شدن می‌انجامد. جدایی از دنیا با رها کردن اقتصاد، سیاست، حکومت مدیریت و اجتماع تفاوت دارد. اولی بسیار خوب است اما دومی پسندیده نیست (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۰-۱۸۱). انسان مرتاض و اهل ریاضت کسی نیست که در گوشه‌ای بنشیند و از جامعه جدا بشود؛ بلکه همواره در متن جامعه حضور دارد و به مردم خدمت می‌کند ولی از دنیا منزوی است. انبیا در متن مردم بودند و آنان را هدایت می‌کردند ولی همه کارها را به

۱. اشاره به این فرمایش حضرت امیرالمؤمنان علیه‌السلام در مورد دنیا که فرمود: «قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا» (نهج-البلاغه، حکمت ۷۷).

دستور «هو الاول» و برای لقای «هو الآخر» انجام می‌دادند و گویا حق را در همه مظاهرش می‌دیدند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۰).

اما علاوه بر این که عبادات با سایر فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی تکمیل می‌شوند؛ و نیز علاوه بر این که تمامی فعالیت‌های اجتماعی که بانی الهی انجام شوند، نوعی عبادت محسوب می‌شوند؛ بلکه بالاتر از این‌ها – و آنچه که این تحقیق در صدد بود نشان بدهد – این است که حتی خود عبادات به معنای خاص، و حتی عباداتی که اصطلاحاً فردی تلقی می‌شوند، خالی از روح جمعی و مولفه‌های اجتماعی نیستند.

در چنین فضایی، وجهه اجتماعی عبادات و سیر و سلوک و ریاضت (در رویکرد اسلامی) بهتر فهم می‌شود؛ کما این که به اعتقاد ایشان خلوت که یکی از مراحل سیر و سلوک عرفانی و از مقامات عارفانه است، باید به گونه‌ای تبیین شود که این امر مثبت، با انزوای مذموم متشبه نشود؛ در حالی که خلوت به معنای اعراض از جامعه و انزوا از وظیفه اجتماعی کاری نکوهیده است، نه ستوده (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص. ۴۱۸). بر این اساس و اگر عبادت را یک نیاز معنوی اصلی در نظر بگیریم (عباس زاده، ۱۳۹۳) و یا هدف پرورش معنویت تلقی کنیم و یا حتی اگر به عنوان یکی از روش‌های پرورش معنویت (آذربایجانی، ۱۳۹۶) محسوب نماییم، درک ابعاد اجتماعی عبادت نشان می‌دهد که عبودیت و معنویت امری نیست که در انزوا و بدون تفکر و دغدغه‌مندی در قبال دیگران حاصل شود. حتی در خصوصی‌ترین ارتباطات انسان با خدا، مثلاً در نماز شب و دعا و ذکر و مناجات و اعتکاف، مومن دیگران را به کنار نمی‌نهد و حتی بیشتر از آن که برای خود، خواهان خیر و نیکی باشد، به دیگران می‌اندیشد و برای سلامت و عافیت

و موفقیت آن‌ها دعا می‌کند^۱ و حتی برخی عبادات کاملاً آمیخته با تلاش عملی برای رفع مسائل جامعه اسلامی است.

اگر این‌گونه باشد، تربیت معنوی همراه با تقویت همدلی، احساس مسئولیت در قبال دیگران، تلاش برای رفع مشکلات نیازمندان جامعه است و حتی به تربیت اخلاقی - اجتماعی متربی کمک می‌کند. به عبارت دیگر، در تربیت اسلامی ساحت‌های گوناگون تربیت از هم جدا نیستند و جنبه‌های مختلف هم‌چون تربیت معنوی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و... تحت رویکرد توحیدی، با هم یکپارچه می‌شوند. آنها نه تنها وحدت در هدف دارند، بلکه در محتوا و محورهای تربیت، حتی تربیت اقتصادی جدا از تربیت معنوی نیست و تربیت معنوی جدا از تربیت اجتماعی نیست؛ برعکس بسیاری از رویکردهای تربیت معنوی سکولار در جهان غرب، که به دلیل فقدان عنصر کانونی وحدت بخش، و در نتیجه حاکمیت انسان محوری و آن هم از نوع فردگرایی و لیبرالیستی، ساحت تربیت معنوی از دیگر ساحت‌ها جدا می‌شود و همان هم‌رنگ و بوی فردگرایانه و خودمحورانه پیدا می‌کند؛ در چنین مکاتبی هدف معنویت رسیدن فرد به شادی و آرامش و سلامت و رشد فردی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اشاره به سیره حضرت زهرا سلام‌الله علیها در دعا کردن که الجار ثم الدار (صدوق، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۸۳).

نتیجه‌گیری

یکی از مولفه‌های مهم فرهنگ مدرنیته، اومانیسزم، و به ویژه فردگرایی است که در همه جوامع و از جمله در ایران هم رو به گسترش است (آزاده و توکلی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۳) و باعث می‌شود که همه چیز، حتی معنویت و رشد معنوی، جنبه فرد گرایانه پیدا کند. انسان معنوی در این دیدگاه به فکر ساختن و رشد دادن خود منقطع از دیگران است. لذا به ویژه در تحقیقات جدید در این زمینه بسیار مشاهده می‌شود که در بحث از آثار مثبت معنویت و تربیت معنوی به موارد ناظر بر رشد و بهبود فردی هم چون: کم شدن استرس (شریف و آنگ، ۲۰۱۹)، کاهش افسردگی (نورنعمین و همکاران، ۲۰۲۰)، افزایش سطح بهزیستی ذهنی (بوزک و همکاران، ۲۰۲۰)، افزایش سلامت روانی (مک کان و همکاران، ۲۰۲۰)، افزایش عزت نفس (هیدمی و یومی، ۲۰۲۰)، و ارتقای سلامتی (گالگس و سگرین، ۲۰۱۹) تاکید می‌شود. اما در رویکرد اسلامی اگر عبادات را خود معنویت و یا راهی مهم برای تحقق معنویت در نظر بگیریم، به هر حال، بر اساس یافته‌های این تحقیق، امری فردگرایانه نیست؛ لذا این وجه اجتماعی در مقام نظر، باید در تعاریف معنویت و تربیت معنوی و نیز در طراحی محتوای برنامه‌های تربیت معنوی به طور واضحی ظهور و بروز یابد؛ تا در مقام عمل نیز، مربی بدین جنبه کاملاً توجه و اهتمام داشته باشد. در حالی که در بسیاری از تعاریف تربیت معنوی این امر به صورت واضحی تصریح نشده است^۱ و حتی مراحل تربیت معنوی در قرآن مشتمل بر: تمهید، خلوت، تفکر، حزن

۱. به عنوان نمونه "تربیت معنوی"، به عنوان تربیتی خداگرا، خدامحور و اصلاح کننده رابطه انسان با آفریدگار تعریف شده است و ویژگی بارز چنین رویکردی تقویت بنیان‌های اعتقادی و عرفانی (شناخت و معرفت خدا) و روحیه عبودیت و بندگی ذکر شده است (انتظامی بیان و احقر، ۱۳۹۴). و یا گفته شده است: «معنویت، عبارت است از ارتباط با خدای متعال از راه ایمان به خدا و غیب جهان، عواطف و انگیزه‌های الهی و نیز استعانت از نیروهای غیبی بر اثر قُرب الهی (سقای بی‌ریا، ۱۳۸۷). یعنی دست کم می‌توان گفت که جنبه اجتماعی در این گونه تعاریف تصریح نشده است.

و خوف، رجاء، تحذیر از رحمت خدا، صبر، شکر، اراده، شوق، محبت، معرفت، طمانینه، توکل، رضا، تسلیم، توحید، اتحاد، وحدت، فنا در نظر گرفته شده است (رضوی، ۱۳۹۶) که عمدتاً جنبه فردی این سیر و سلوک را به ذهن متبادر می‌سازد.

این تحقیق ابعاد اجتماعی چند عبادت مهم را در آثار آیت‌الله جوادی‌آملی در قالب هشت مولفه اجتماعی نشان داد. بر این اساس، حتی عباداتی که اصطلاحاً فردی تلقی می‌شوند، دارای ابعاد اجتماعی هستند و لذا رشد و تربیت معنوی دارای ماهیتی اجتماعی است و تربیت معنوی چیزی نیست که در شرایط منقطع از دیگران و فردگرایانه محقق شود. نتیجه آن است که تربیت معنوی با رویکرد اسلامی برنامه‌ای غنی است که نه تنها به صورت غیر مستقیم - و با اصلاح تک‌تک واحدهای سازنده اجتماع - به بهبود اجتماعی منجر می‌شود، بلکه به طور مستقیم نیز در پرورش هویت جمعی و سلامت اجتماعی افراد موثر است.

در اسلام رشد فردی بدون دل‌نگرانی و مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران ممکن نیست و رشد و معنویت فردی، لاجرم همراه با رشد و بهبود اجتماعی است و این امر می‌تواند تربیت معنوی با رویکرد اسلامی را به عنوان رقیبی کارآمد و قابل توجه برای تربیت معنوی سکولار و فردگرای غربی مطرح کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اعظم آزاده، منصوره؛ توکلی، عاصفه (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری. *مطالعات فرهنگی ارتباطات*. ۳ (۹).
۴. آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۶). *تربیت و رشد معنوی در دوره نوجوانی*، تهران: نشر الگوی پیشرفت.
۵. ارباب‌زایی، مریم (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی عبادت از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی و ابن‌تیمیه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۶. انتظامی بیان، نرگس؛ احقر، قدسی (۱۳۹۴). تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱ (پیاپی ۱۳).
۷. بحرانی، صدیقه؛ حقیقت، لاله؛ زمانی، زهره (۱۳۹۴). نوع رابطه انسان با خداوند از منظر مولوی، با نگاهی به روایت انواع عبادت از امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه، *اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، ۱۵ (۱).
۸. پورسیاحی، فریده؛ بختیار، مریم؛ براتی، فرج‌الله (۱۴۰۱). حقیقت اسرار عبادت (نماز، حج) از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی و مقایسه با دیدگاه امام خمینی (ره) و اعجاز معماری خانه کعبه به عنوان جلوه‌ای هنری از اسرار حج. *هنر اسلامی*، ۱۹ (۴۸).
۹. _____ (۱۴۰۱). حقیقت اسرار عبادت (نماز، حج) از دیدگاه آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی و مقایسه با دیدگاه علامه محمدحسین طباطبایی. *پژوهش‌های اعتقادی کلامی*، ۱۲ (۴۸).
۱۰. پوریوسفی، حمید؛ فراستخواه، مقصود؛ تشکر، فاطمه (۱۳۹۳). شناخت میزان گرایش جوانان به معنویت‌های نوظهور و عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر آن (دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال). *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر*، ۸ (۲)، پیاپی ۲۵.

۱۱. تیموری، ابوالفضل؛ محمد جعفری، رسول (۱۴۰۰). بررسی برخی از وظایف عبادی فردی و اجتماعی کم‌توانان جسمی از منظر آیات و روایات. *دین و سلامت*، ۹ (۲).
۱۲. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۷). *فطرت*. قم: اسراء.
۱۳. _____ (۱۳۷۹). *صورت و سیرت انسان*. قم: اسراء.
۱۴. _____ (۱۳۸۳). *حکمت عبادات*. قم: اسراء.
۱۵. _____ (۱۳۸۶). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: اسراء.
۱۶. _____ (۱۳۹۴). *دانش و روش بندگی*. قم: اسراء.
۱۷. _____ (۱۳۹۸). *تسنیم*، جلد ۱. قم: اسراء.
۱۸. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). *ولایت فقیه*. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۹. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*.
۲۰. داودی، محمد (۱۳۸۹). *سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌واهل‌بیت‌علیهم‌السلام*. جلد دوم: تربیت دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۱. داودی، محمد؛ جزایری، سیدحمید؛ کنزیبانو، کنزیبانو (۱۴۰۰). *اصول تربیت عبادی با تاکید بر قرآن و روایات*. *مطالعات فقه تربیتی*، ۸ (۱۵).
۲۲. دشتی، محمدتقی؛ مهدی‌فر، محمد (۱۳۹۸). *نقش نماز جماعت در جامعه‌پذیری سیاسی*. *فقه حکومتی*، ۴ (۸).
۲۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ نجفی جزه‌ای، حمید (۱۳۹۵). *تربیت عبادی از منظر قرآن*. *قرآن و علم*، ۱۴.
۲۴. رضوی، سیدمحمد عباس (۱۳۹۶). *مراحل تربیت معنوی (بررسی در قرآن و سنت)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی‌العالمیه.
۲۵. سبحانی، جعفر (۱۳۹۱). *توحید عبادی*. *کلام اسلامی*، ۲۱ (۸۲).
۲۶. سعیدیان جزئی، مریم (۱۳۹۶). *دستاورد‌های نماز برای سلامت معنوی و توسعه اجتماعی*. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۳ (۲)، پیاپی ۱۱۳.
۲۷. سقایی بی‌ریا، محمدناصر (۱۳۸۷). *نقش معنویت در زندگی و میدان رزم*. *فصل‌نامه حصون*. شماره ۱۶.

۲۸. شجاری، مرتضی (۱۳۹۰). سعادت و رابطه آن با معرفت و عبادت از دیدگاه ابن سینا. پژوهش‌های فلسفی، (۸) ۴.
۲۹. طالبان، محمدرضا (۱۳۹۱). ارزیابی تجربی نظریه محرومیت در تبیین دین‌داری. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۶ (۱).
۳۰. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۷). *علل الشرایع*. قم: مومنین.
۳۱. عباس‌زاده، شهربانو (۱۳۹۳). *نیازهای معنوی انسان در قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
۳۲. علی‌پور، فاطمه (۱۳۹۲). فلسفه عبادت انسان از منظر ابن سینا. *حکمت سینوی*، ۱۷ (۴۹).
۳۳. غلامی، نجفعلی؛ میراحمدی، منصور (۱۳۹۳). فقه فردی و فقه حکومتی بایسته‌ها و کاستی‌ها. *سیاست متعالیه*، ۲ (۴).
۳۴. فتحعلی، محمود؛ مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ مجتبی، مصباح؛ یوسفیان، حسن (۱۳۹۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: موسسه برهان.
۳۵. قهرمانی، علی (۱۴۰۱). درآمدی بر مفهوم شناسی معنویت انسان و جهان معنوی. *خردورزی*، ۳ (۱۲).
۳۶. کاوه، محمد (۱۴۰۱). مفهوم و جایگاه دعا از نظر تلمود و آیت‌الله جوادی‌آملی با تکیه بر تسنیم. *پژوهش‌های اعتقادی کلامی*، ۱۲ (۴۸).
۳۷. کوثری، عباس (۱۴۰۰). *آثار فردی و اجتماعی روزه*. ره توشه. شماره ۵.
۳۸. مرتضوی باباحیدری، سید رحمان (۱۳۹۲). فلسفه عبادت از دیدگاه ملاصدرا. *معارف عقلی*، ۸ (۲)، پیاپی ۲۷.
۳۹. مشکینی، علی (بی تا). *مصطلحات الفقه*. بی جا. بی نا. (نرم افزار جامع فقه اهل بیت نسخه ۲).
۴۰. مطهری، محمد لطیف (۱۳۹۹). رفق و مدارا در تربیت عبادی فرزندان. *گفتنمان فقه تربیتی*، ۱۲ (۲۰).
۴۱. ملکی، حسن؛ شاملی، عباسعلی؛ شکراللهی، مهدی (۱۳۹۰). *تربیت عبادی کودکان*. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۳ (۱).

43. Gallegos, M. L.; and Segrin, C. (2019). Exploring the Mediating Role of Loneliness in the Relationship between Spirituality and Health: Implications for the Latino Health Paradox. *Psychology of Religion and Spirituality*, 11 (3) , 308.
44. Hidemi, S.; and Yumi, M. (2020). Relationship between the Factors of Spirituality and Self-Esteem in Nurses Working in Palliative Care Wards: A Cross-Sectional Study in the Chugoku Region.
45. Joseph, R. P.; Ainsworth, B. E.; Mathis, L.; Hooker, S. P.; and Keller, C. (2017). Incorporating Religion and Spirituality into the Design of Community-Based Physical Activity Programs for African-American Women: A Qualitative Inquiry. *BMC Research Notes*, 10 (1) , 506.
46. Nurnainah, N.; Ismail, I.; and Wahyuni, W. (2020). The Relationship between Spirituality and Depression of Elderly in Elderly Social Service. *Indonesian Journal of Global Health Research*, 2 (2) , 183-190.
47. McCann, E.; Donohue, G.; and Timmins, F. (2020). An Exploration of the Relationship between Spirituality, Religion and Mental Health among Youth Who Identify as LGBT+: A Systematic Literature Review. *Journal of Religion and Health*, 1-17.
48. Oxford English Dictionary, (2006) , Sixth edition, Oxford New York, Oxford University Press
49. Sharif, S. P.; and Ong, F. S. (2019). Education Moderates the Relationship between Spirituality with Quality of Life and Stress among Malay Muslim Women with Breast Cancer. *Journal of Religion and Health*, 58 (4) , 1060-1071.